

# MEHDI'S GUEST HOUSE



MAYFLOWER INN

زواران پنهان چه خبره

نمی‌توانید کار پیدا کنید حتماً باید ۴۰۰ دلار هم برای کار به یک پاکستانی پول بدهید، خلاصه راه افتانند و رفتند و خیلی تشکر کردند، و منم رفتم سرکار ساعت ۸ طبق قرار رفتم ایستگاه، تا وارد شدم، یکی از آن سه نفر مرا دید و گفت داداش کار پیدا کردم، خیلی ممنون شرایط اینه روزی ۷۰۰۰ بین (تومان)، جا و غذا هم میده گفتم، همین الان برید و معطل نکنید بعد هم وقتی زبان شما خوب شد می‌توانید کار بهتر با حقوق بیشتر پیدا کنید داشتم برمی‌گشتم خونه دیدم ۴ نفر ایرانی دیگه توی خیابون نشستند تا منو دیدند، گفتند آقا شما اینجارتنگی می‌کنید گفتم بله، گفتند ما تازه اومدیم و امشب هم جا نداریم و بیکار هستیم، هتل هم رفتیم به ما اطاق ندادند، جیکار کنیم، گفتند میشه بیاییم و امشب رو به ما جا بدید، گفتم من خودم با دوستم و خانمش زندگی می‌کنم و در حقیقت و حداکثلی خودم هم مهمون اونها هستم، معذور هستم، و خیلی با التماس گفتند ما شب رو جیکار کنیم، گفتم راه بیفتید، پشت سر من بیایید و بعد از ۱۵ دقیقه پیاده‌روی گفتم اینجا سبی ۲۴۰۰ بین از شما می‌گیره و شما می‌تونید تا فردا اینجا بمونید و صبح تر و تمیز از اینجا خارج بشید، (اونهارو بردم، به یک سونا، اونهارو هم جا دادم) و پس از یک روز کار و مشغولیت برگشتم خونه و هر روز هم ایرانی است که داره وارد ژاپن می‌شه، راستی شنیدم تلویزیون گفته که ایرانی‌ها اونجا وضع خوبی ندارند باید بگم من وضعم خوبه، و هرکس هم که اینجا مشغول هست فکر نکنم وضعش بد باشه

دیروز ۲ تابه‌ت برای دوستم رضا رسید، البته بعد از ۴ ماه، چون بسته‌ها دقیقاً اول بهمن پست شده بود، که باید به پست ایران تبریک گفت که داره به پست ژاپن هم درس می‌ده چرا که لباس زمستونی آخر بهار به دست دوستم رسید. راستی یکی از دوستان بعد از ۲ ماه کار، حقوق خودشو به ایران حواله کرد به یکی از شعب بانک (نام بانک محفوظ)، وقتی برادر دوستم در ایران برای تحویل پول به بانک میره، کارمندی که مسئول این کار بوده گفته نصف حواله و نصف دلار، اگه هم‌رو دلار می‌خوای خلاصه... تو خود بخوان... بد نیست با اومدن کارگرای ایرانی به ژاپن به کارمندان بانک هم بد نمی‌گذره.

تا گزارش بعدی خدا حافظ

یکی از دوستانم که خانمش را هم به ژاپن آورده و برادر خانمش در یک آپارتمان با هم زندگی می‌کنیم، دیدم سه تا ایرانی زیر پل که قطار از رویش رد می‌شود دراز کشیدند، این پل روی رودخانه‌ای که نزدیک خانه مسافت زده شده، از بالا صدشان کردم و گفتم ایرانی هستید دیدم بله ایرانی هستند، البته شب قبل هم آنها را دیده بودم که بغل رودخانه و زیر همون پل داشتند نان و کنسرو می‌خوردند، گفتم شما همون کسانی هستید که دیشب داشتید اینجا غذا می‌خوردید. گفتند بله، گفتم از طریق کجا؟ گفتند: از طریق تهران، دویی، بانکوک، توکیو گفتم این دو شب را کجا خوابیدید، گفتند کنار رودخانه، گفتم من در خانه با دو تا پتو سردم می‌شود شما چطور اینجا خوابیدید، چرا هتل نمی‌روید، البته سؤال بیخودی بود، چون به آنها با آن سرو وضع اطاق نمی‌دادند و تازه اگر هم می‌دادند خیلی ارزان هم باشد شبی ۳۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ بین (تومان) و اصلاً برای آنها صرف نمی‌کند گفتم چرا اینجا هستید برید دنبال کار، گفتند که ما زبان بلد نیستیم، گفتم بنویسید، شی‌کوتو آری‌ماس، هانارایته ای ر رو، یعنی کار هست، ایچی نیچی ای‌کورا یک روز حقوق چه مقدار، گفتم اینهم ژاپنی برید، و ببخود اینجا ننشینید که خوب نیست نفی ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان خرج کردید و خیلی راحت تسوی این خاکها دارید می‌خوابید، بلند شوید، اگر هم کمک خواستید من تو Station ساعت ۸ شب می‌بینم، گفتند ما منتظر یک دلال پاکستانی هستیم، گفتم یعنی خودتان

حضور محترم و گرامی سردبیر مجله گزارش سلام عرض می‌کنم، امیدوارم تندرست و شادکام باشید، مجله گزارش عید نوروز به دستم رسید منم گزارش را از ژاپن برای شما ارسال می‌کنم: من در ژاپن مثل همیشه مشغول کار هستم. خدا را شکر راضی هستم، هر چند باید اقرار کنم که دوری از خانواده خیلی برای من مشکل است و می‌توانم بگویم تنها مسئله‌ای که فکر مرا بخودش مشغول کرده دوری از خانواده‌ام است و بس، و گرنه من در اینجا هیچ‌گونه مشکلی ندارم. یعنی خیلی راحت با پول ۲ روز حقوق خودم می‌توانم یک یخچال رو پر میوه و غذا کنم و خیلی راحت زندگی کنم، چون اینجا رفاه زیاد است و هیچ‌کس اینجا دچار کمبود نیست و چیزی به اسم ندارم را شما از کسی نمی‌شنوی، هر لحظه و هر وقت در شب یا روز هر چیزی را بخواهی در اسرع وقت در اختیار شماست، تمام وسایل، میوه، غذا، در ظرفهای مخصوص و بسته‌بندی‌های زیبا و تمیز، وسایل جابجایی و وسایل نقلیه عمومی مثل اتوبوس و قطار سر ساعت حرکت کرده و سر ساعت به مقصد می‌رسند، و در کشوری با حدود ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، تمام مردم سر وقت و بدون تاخیر به محل کار یا درس خود می‌رسند و هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که ترافیک بود، یا وسیله نبود، همه چیز ماشینی و تمیز، و منظم، نمی‌دانم از کجا و از چی بگویم یعنی فقط باید بیایید و ببینید که ما چقدر باید تلاش کنیم، تا به اینجا برسیم، بگذریم.

دیروز داشتم می‌رفتم سر کارم، منو